

انتخاب می‌کردم که خارجی باشد؛ من یکی از محصولاتم را می‌گذاشتم روی میز و می‌گفتم که این اسمش الونده و آن یکی محصولم را با اسم خارجی می‌گذاشتم. کاربر می‌آمد و محصول با نام و برند خارجی را برمی‌داشت. این دل‌سردی‌ها نباید منجر به این شود که ناامیدی در کار بیاورد. توی کار خودمم بارها بوده که یک محصول را ده بار شخصاً رفتم و امدم و بار یازدهم جواب گرفتم. وقتی اطمینان داری که محصولت خوب و کاردرست است، رمز کلیدی کار، مداومت است.

در این مسیر کسانی بودند که نا امیدت کرده باشند. بگویند رها کن و این چه کاری است؟

به تعداد موه‌های سرم. خیلی زیاد. این حرف‌ها که شما رفتی تحصیلات و درس و این همه کار پژوهشی و علمی و جای شما اینجا نیست و شما باید بروی استخدام بشوی و حقوق بگیر بشوی و مثلاً دوستان شما رفتند در اینجاها کار می‌کنند و شدند مدیر کل و... این ذهنیت‌ها آنقدر مخرب هستند که آدم را از هدف اصلی بازمی‌دارند. یک کتاب معروفی هست که نامش را فراموش کرده‌ام؛ داستان دوتا دوست است که روستایشان یک شهرداری داشته که به آنها می‌گوید آب را از آن بالا بیاورید و به ازای هر سطل، یک دلار به شما می‌دهم. یک روز یکیشان به ذهنش می‌رسد که بیاید و یک خط لوله



دوستان ما اینقدر اذیت نشوند و مجبور نباشند با دستان خالی و ناامیدی، پروژه‌هایشان را پیش ببرند. خوشبختانه جواب اعتماد آنها هم این شد که کار، گرچه یک مقدار طولانی، اما نتیجه داد. ما هم بی‌معرفتی نکردیم که کم کار کنیم و تمام عیار وقت گذاشتیم.

در این راه شما دلشکستگی‌ها و برخوردهای منفی داشتید؟ کسانی که رقیب شما باشند و نگذارند کار را پیش ببرید و سنگ جلو پای شما بگذارند؟

بله، در شرکت‌های دولتی که می‌دانستند ما نمونه داخلی داریم و می‌رفتند سراغ نمونه خارجی. البته اتفاقات خوبی در این سالی که به نام دانش بنیان نام‌گذاری شده است، رخ داد. تا قبل از این، خیلی از مسئولین می‌گفتند «دانش بنیاد» و اصلاً نمی‌دانستند که دانش بنیان یعنی چه. تا قبل از این، بچه‌های ما خیلی درگیر تسهیلات بودند اما اکنون تسهیلات و حمایت‌ها خیلی بیشتر است. یک درد دیگر هم این است که غیر از ترجیح محصول داخلی بر خارجی، باید نسبت به محصولات بومی هم همین اعتقاد را داشته باشیم. استان ما همدان، صنعتی نیست و باید کمک کنیم که این ۴ تا صنعت و شرکتی که داخلش مانده را حفظ کنیم. من خواهشی که از سازمان‌ها و نهادهای دولتی دارم این است که محصول شهر و استان خود را بخرند و بگذارند این چهره‌ها در شهر خودمان شکل بگیرد.

ببینید ما زمانی می‌توانیم محصول ایرانی را بین مردم جا بگذاریم که کیفیت محصول ایرانی بالا باشد. آن مردم ما، همشهری و هم‌استانی خودمان، وقتی ببینند که من این محصول ایرانی را خریدم و نسبت به محصول خارجی کیفیت بالاتری داشت، خواه ناخواه محصول خارجی را کنار می‌گذارد. متأسفانه ما گاهی شاهد هستیم که یک عده معدود، محصولاتی را تولید می‌کنند که کیفیت لازم را ندارد. متأسفانه این واقعیت هم هست که اگر بخواهم محصولم را بفروشم، باید برند و اسمی را

”

گاهی ارگانهای نظامی بودند که با وجود تأخیر در اجرای پروژه و شکست چندباره‌مان در مسیر، تحمل کردند - یا وجود آنکه دستش باز بوده و این قدرت را داشته تا با ما برخورد کنند - و خیلی خوب حمایت کردند